



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

سید، آندی، ۱۹۶۱- م.
Seed, Andy, 1961-
مصاحبه با عالیجنابان تیزچنگال / نویسنده آندی سید؛ تصویرگر نیک ایست؛
مترجم محمدرضا افضلی.
تهران: شرکت انتشارات فنی ایران، کتاب‌های نردبان، ۱۴۰۱.
۴۸ ص.: مصور (رنگی)؛ ۱۷ × ۲۴ س.م.
978-622-344-050-2
عنوان اصلی: Interview with a Tiger and Other Clawed Beasts too, 2020.
گروه سنی: ب، ج.
حیوان‌ها -- مصور
حیوان‌ها -- عادات و رفتار
اطلاعات عمومی
افضلی، محمدرضا، ۱۳۳۱-
مترجم.
۵۹۰
۹۱۱۶۲۵۵



شرکت
انتشارات
فنی ایران
کتاب‌های
نردبان

مصاحبه با عالیجنابان تیز چنگال

نردبان بنفش - عمومی | کد کتاب ۲۴۹۷

نویسنده آندی سید Andy Seed

تصویرگر نیک ایست Nick East

مترجم محمدرضا افضلی

مدیر هنری کیانوش غریب پور

طراح جلد رضا دلیرسیولا

طراحی گرافیک آتلیه گرافیک نردبان

چاپ اول ۱۴۰۲، ۲۰۰۰ نسخه | چاپ اندیشه برتر

حقوق چاپ و نشر این اثر متعلق به شرکت انتشارات فنی ایران است.

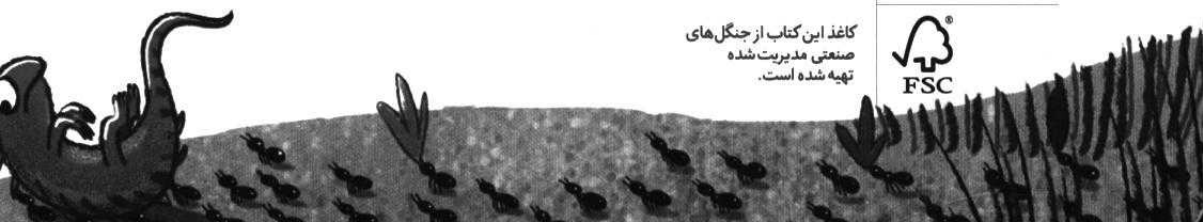
میرعماد، شماره ۲۴، تهران ۱۵۸۷۷۳۶۵۱۱ ☎ ۸۸۵۰۵۰۵۵

info@entesharat.com ✉ entesharat.com

@nardebanbooks 📧 nardebanbooks



کاغذ این کتاب از جنگل‌های
صنعتی مدیریت شده
تهیه شده است.





فهرست

مقدمه

۴

مصاحبه با جناب ببر بنگال

۶

مصاحبه با جناب گرگ

۱۰

مصاحبه با جناب مورچه خوار غول پیکر

۱۴

مصاحبه با جناب گورکن عسل خوار

۱۸

مصاحبه با جناب جاگوار

۲۱

مصاحبه با خرس قطبی

۲۶

مصاحبه با جناب شیر

۳۰

مصاحبه با جناب آرمادیلوی غول پیکر

۳۴

مصاحبه با جناب پلنگ برفی

۳۸

مصاحبه با جناب تنبل سه انگشتی

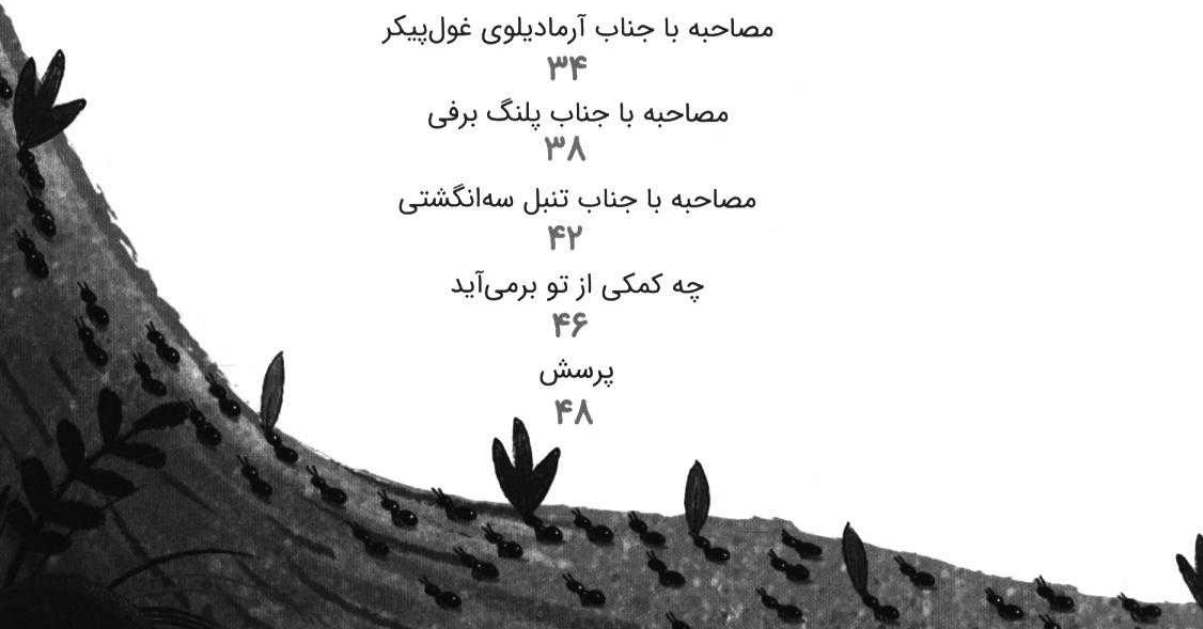
۴۲

چه کمکی از تو برمی آید

۴۶

پرسش

۴۸



مقدمه

یک روز درست و حسابی از نظر یک ببر درست و حسابی چگونه روزی است؟ گرگ بودن چه بدی دارد؟ آیا شیرها هم به سینما می‌روند؟ نه، من هم هیچ وقت درباره‌ی این سؤال‌ها فکر نمی‌کنم! اما اگر تو می‌خواهی جواب این سؤال‌ها را بدانی، کتاب مناسب را به دست آورده‌ای.

من به اندازه‌ی کافی خوش‌شانس یا بدشانس بوده‌ام که روبه‌روی ده جانور بزرگ چنگال‌دار بنشینم و از آن‌ها سؤال کنم (از خودشان، نه از چنگال‌هایشان). جواب‌هایی که به من دادند شگفت‌انگیز، سرگرم‌کننده و البته کاملاً ترسناک بود.

بعله! می‌دانم که الان از خودت می‌پرسی «چی‌یی‌ی؟ مگر من می‌توانم با حیوانات حرف بزنم؟» سؤال خوبی است.

راستش را بخواهی، چند سال قبل، چندتا رخت‌آویز، یک ظرف کیک‌پزی درب و داغون، و یک لنگه جوراب دستم بود و این طرف و آن طرف ول می‌گشتم. ناگهان نفهمیدم چطور شد که ماشینم اختراع کردم که صداهای حیوانات را به زبان آدمیزاد ترجمه می‌کرد! بعله، این طور شد که ماشینم ترجمه به دنیا آمد. به کمک این ماشین می‌توانم با هر جانوری روی زمین حرف بزنم. خیلی قابل استفاده و به درد بخور است!

از آشنایی با تو
خوشوقتم!